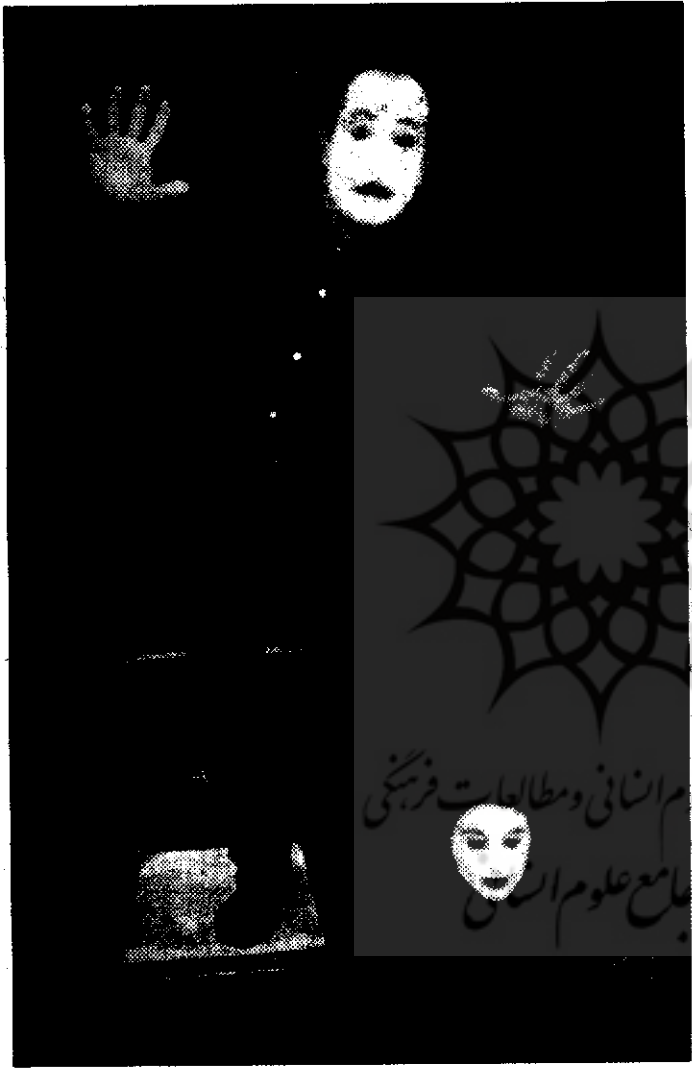




# جامعه آبتن نسلی است که

بهزاد صدیقی



ادبیات کهن ما  
از فضاهای غنی سوررئالیستی  
امپرسیونیستی، آبتن و اکسپرسیونیستی  
سرسار است و فقط نیاز به  
جست‌وجو دارد

فرهاد آتیش کارگردان، نویسنده و بازیگر تئاتر - حدود ۲۰ سال پیش برای تحصیل در رشته عکاسی و سینما به آمریکا رفت و به‌رغم کسب تخصص در این رشته‌ها، به تئاتر علاقه‌مند شد و این هنر را به صورت تجربی و خودآموزخته فراگرفت. چوب به دست‌های ورزیدل و مرگ یزدگرد از اولین نمایشنامه‌هایی بود که آتیش متأثر از تئاتر ایران در آمریکا اجرا کرد. وی علاوه بر اجرا به نویسندگی نیز پرداخت. در کارنامه نمایشنامه‌نویسی او می‌توان از تقصیر، چمدان، جعفرخان گم شده، ۳۲ دقیقه از ماجرا، نقش زن، سیمرخ، تئاتر تئاتر، هفت شب با میهمانی ناخوانده، کمدی شام آخر و چند نمایشنامه کوتاه نام برد.

آتیش ۱۷ سال پیش اولین نمایشنامه خود، تقصیر را در برکلی کالیفرنیا به روی صحنه برد، پس از آن در سفری که به ایران داشت، نمایشنامه چمدان (۱۳۷۰) و نمایشنامه هفت شب با میهمانی ناخوانده (۱۳۷۲) را اجرا کرد. آتیش چندماهی است که به ایران بازگشته است و قصد فعالیت مستمر در زمینه تئاتر را دارد. او همراه امسال، نمایشنامه تقصیر را با کارگردانی خود در سالن چهارسوی تئاتر شهر اجرا خواهد کرد. در این نمایشنامه، آتیش و همسرش بازی می‌کنند.

● در آمریکا به فعالیت در زمینه تئاتر علاقه‌مند شدید، حال آنکه نخستین اجرای شما نمایشنامه‌هایی ایرانی بود، میزان تأثیرپذیری شما از تئاتر آمریکایی و تئاتر ایرانی چگونه بود؟  
- من تئاتر ایرانی را با گوهر مراد شناختم و از نمایشنامه‌های او تأثیر گرفتم - البته اگر امروز دوباره نمایشنامه چوب به دست‌های ورزیدل را بخوانم، تأثیر زیادی نمی‌گیرم چراکه امروز در جست‌وجوی پیچیدگی‌های مفهومی و ساختاری هستم - وقتی نمایشنامه‌های بیضایی را خواندم مسحور شدم و توانم را به نمایشنامه‌های بیضایی منتقل کردم. آثار بیضایی نوع نگاه مرا در زمینه تئاتر متحول کرد.

تأثیر تئاتر آمریکا بر من نیز شاید از تأثیری که مثلاً موسیقی و رقص سرخپوستان آمریکایی، نقاشی اروپایی، مجسمه‌سازی آفریقایی، سینمای فرانسه یا ایتالیا، فرهنگ ژاپنی، شعر آلمانی، فوتبال آمریکایی، اشعار عطار، مولوی، حافظ، نیما، سپهری و... داشته است، کمتر نباشد.

در واقع در دو زمینه تئاتر آمریکایی و تئاتر ایرانی به مطالعه پرداختم و نحوه تأثیرپذیری نگاه تئاتر شرقی و فرم‌ها و ساختارهای مدرن غربی را بر

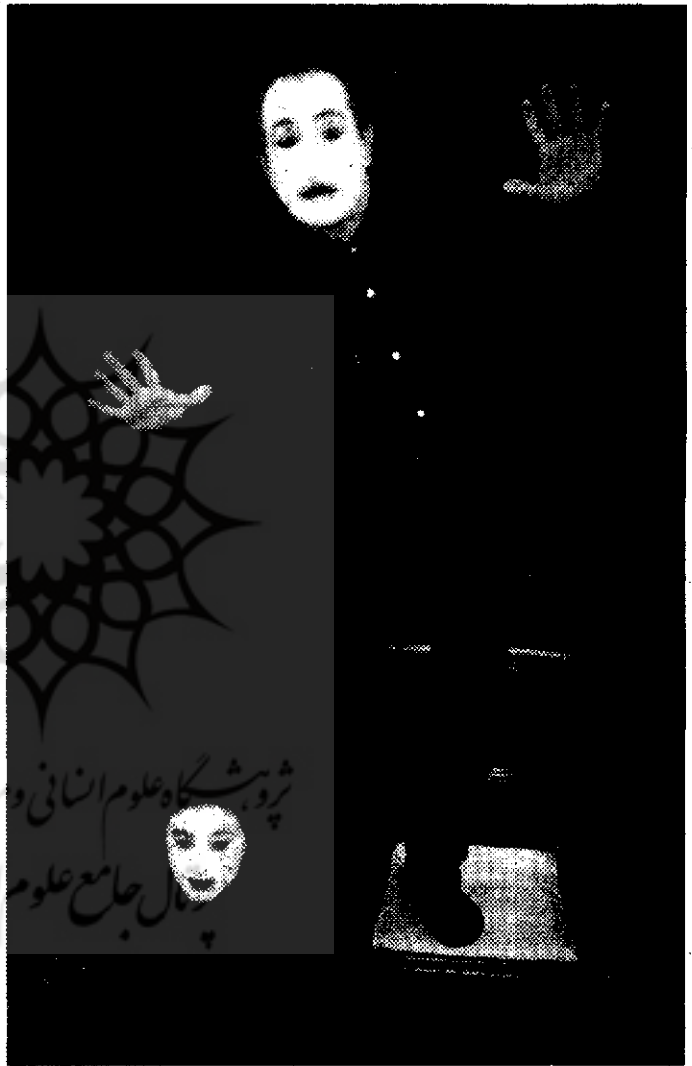
# زبان نو و حرف نو می خواهد

بگذریم بررسی کردم و از هر دو تأثیر گرفتیم.  
● وضعیت تئاتر ایران را در مقایسه با تئاتر غرب چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- تئاتر غرب مانند نقاشی غربی، سبک‌ها، سیاق‌ها، فرم‌ها و ساختارهای گوناگونی را تجربه کرده است. حال آنکه ما با تجربه نکرده‌ایم و یا به کمی برداری روی آورده‌ایم. به خاطر داشته باشیم که پیش‌بروک را با فرهنگ عطار ایرانی، پیکاسو را با فرهنگ آفریقایی و برشت را با فرهنگ ژاپنی می‌شناسند... و همه اینها بر تأثیر متقابل دلالت دارد. به اعتقاد من برای تحول و نوآوری در تئاتر ایران، باید به کندوکاو در فرم‌ها و ساختارهای ادبی ایران پرداختیم و ساختارها و فرم‌های ایرانی ولی نو و امروزی پدید آوریم. ادبیات کهن ما، از فضاهای غنی سوررئالیستی، امپرسیونیستی، اکسپرسیونیستی، آبیستره و... برخوردار است، کشف آنها نیاز به جست‌وجو دارد. ما در یک جامعه متحرک و پویا زندگی می‌کنیم، جامعه‌ای که شاهد انقلاب بوده است، جامعه‌ای که در انتقال به قرن بیست و یکم در جهانی بحرانی به سر می‌برد. آبیستن نسلی است که می‌خواهد حرف نو بزند و برای این حرف نو به زبانی نو نیاز دارد و این زبان نه می‌تواند سوررئالیستی باشد و نه مثلاً امپرسیونیستی، نه می‌تواند پیرو برشت باشد نه استانیسلاوسکی یا بروک و... اگر از زبان نو سخن می‌گوییم در واقع پدیده‌ای نو را در نظر داریم. هنرمندانی که نامشان در تاریخ ماندگار شده است، کسانی‌اند که سبک و سیاق نویی را ارائه داده‌اند. از گذشته تقلید نکرده‌اند اما به تمامی همه آنها را شناخته‌اند و بر مبنای آنها فعالیت خود را آغاز کرده‌اند.

● فعالیت تئاتر در ایران را در کدام بخش قسوی‌تر می‌دانید؟ گسارگردانی، بازیگری، نمایشنامه‌نویسی؟

- به نظر من همه در یک سطح قرار دارند و شاید بتوان گفت نمایشنامه‌نویسی از بقیه ضعیف‌تر و ضعیف‌تر از آن نقدنویسی است. ما برای رشد و تعالی تئاترمان به نقد سالم و فعال نیاز داریم و این یک تجربه تاریخی است. یکی از انتقادات وارد بر هنرمندان ما این است که در جایگاه خود باقی نمی‌مانند، هم سیاستمدارند و هم جامعه‌شناس، هم روان‌شناسند و هم فیلسوف، هم منتقدند و هم هنرمند و گاه رقیبان هنرمندان هم هستند. نقد به معنای انتقاد یا تحسین نیست، نقد چون رابطه‌ای دوسویه، فعال و پیچیده است و باید در خدمت تعالی فرهنگ، هنر و انسان قرار گیرد. من خودم تشنه نقد و برقراری رابطه‌ای دینامیک و پیوسته با نقادان و دیگر اندیشمندان هستم و امیدوارم که اینگونه رشد کنم.



با مطالعه تئاتر آمریکایی  
و تئاتر ایرانی  
نحوه تأثیرپذیری نگاه شرقی  
و ساختار مدرن غربی را  
بر یکدیگر بررسی کرده‌ام